

عبودیت و خودسازی پیامبر (ص)

محمد حسین توسلی *

مقدمه

عبادت: یعنی پرستش، بندگی، این کلمه به دو صورت استعمال می شود، عام و خاص. عبادت خاص: از جمله عباداتی است که، شرط صحتشان قصد قربت به سوی خداست مثل:

نماز و روزه.

عبادت عام: عباداتی را که مهم قصد قربت به سوی خداست حال چه شرط صحتشان باشد و یا نه، شامل عبادت خاص هم می شود. مثل: نماز، روزه، خوردن و آشامیدن و ... در این تحقیق آنچه از عبادت مورد نظر است، عبادت به صورت عام است.

انسان ها بایستی همه ی کارهایشان را فقط برای رضای خدا انجام دهند تا با اخلاص و به درجه ی مخلصین برسند. آن درجه ای که دیگر شیطان، در آن ها رسوخ نکرده، و تنها خدا را در مد نظر می گیرند و در واقع اینان از طرف خدای متعال به این درجه رسیده است. و رسیدن به این درجه نیز همت والایی می خواهد.

این تحقیق در نظر دارد، به زندگی کامل ترین شخص و بزرگوارترین عزیزی اشاره کند، که همه کارها را بدون کم و کاستی ای انجام می داد ولی نیت پاکش را لحظه ای از دست نمی داد. و این کمال انسان است « ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون » ما جن و انسان را خلق نکردیم مگر به واسطه ی عبادت (معرفت).

« وعباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما » بندگان خاص

خداوند رحمن آن ها هستند که، با آرامش و بی تکبر بر زمین راه، می روند و هنگامی که جاهلان آن ها را مخاطب سازند به آن ها سلام می گویند.

* فارغ التحصیل دوره کارشناسی

فصل اول تواضع پیامبر (ص):

راه رفتن ایشان :

تواضع در راه رفتن ، سست و بی رمق گام برداشتن نیست ، بلکه این است که در عین تواضع ، گام هایی محکم و حاکی از جدیت و قدرت بردارند

در حالات پیامبر (ص) آمده است که یکی از اصحاب می گوید : « ما رأیت احدا أسرع فی مشیه

من رسول الله (ص) کانما الارض تطوی له وانا لنجهد انفسنا وانه لغير مکرث»

« من کسی را سریع تر در امر راه رفتن ، از پیامبر ندیده ام ، گوئی زمین زیر پای او جمع می شد ، و ما به زحمت می توانستیم به او برسیم و او اهمیتی نمی داد.»^۱

و در حدیث دیگری در حالات پیامبر (ص) آمده است که :

« قد کان یتکفأ فی مشیه کانما یمشی فی صعب»

« هنگامی که پیامبر (ص) راه می رفت در عین این که عجولانه نبود ، با سرعت گام بر می داشت ، گوئی از یک سرازیری پایین می رفت.»^۲

نافع بن جبیرین مطعم ، از علی (ع) نقل می کند که ، پیامبر(ص) هرگاه راه می رفت ، اندکی به جلو خمیده می شد ، گوئی از سرازیری فرود می آید.»^۳

در حدیث جالبی از پیامبر (ص) می خوانیم که ، روزی از کوچه ای عبور می کردند ، جمعی از مردم را در یک نقطه مجتمع دیدند و از علت آن سوال کردند ، عرض کردند : دیوانه ای است که اعمال جنون آمیز و خنده آورش مردم را متوجه خود ساخته ، پیامبر آن ها را به سوی خود فرا خواند فرمود: « می خواهید دیوانه واقعی را به شما معرفی کنم » همه خاموش بودند و با تمام وجود شان گوش می دادند ، آن حضرت فرمود ند : « المتبختر فی مشیه ، الناظر فی عطفیه ، المحرک جنبیه بمنکیه

الذی لا یرحی خیره ولا یومن شره فذلک المجنون وهذه مبتلی!»

(کسی که با تکبر و غرور راه می رود و پیوسته به دو طرف خود نگاه می کند ، پهلوهای خود را با شانه ی خود حرکت می دهد - غیر از خود را نمی بیند و اندیشه اش را از خودش فراتر نمی رود- کسی که مردم به خیر او امید ندارند و از شر او در امان نیستند ، دیوانه ی واقعی او است. اما این را که دیدید تنها یک بیمار است.)^۴

اولین صفات بندگان رحمن ، نفی کبر و غرور و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان و حتی در کیفیت راه رفتن او آشکار می شود . زیرا ملکات اخلاقی همیشه خود را در لابلای اعمال ،

گفتار و حرکات انسان نشان می دهند ، تا آنجا که از چگونگی راه رفتن یک انسان می توان با دقت و موشکافی ، به قسمت قابل توجهی از اخلاق او پی برد .

تواضع کلید ایمان است و در حالی که کبر و غرور کلید کفر است .

خداوند در یکی از دستورات مهمی که به پیامبرش (ص) می دهد ، اینکه : « ولا تمش فی

الارض مرحا ، انک لن تخرق الارض و لن تیلغ الجبال طولا » در روی زمین از سر کبر و غرور گام بر مدار ، چرا که نمی توان زمین را بشکافی و طول قامتت هرگز به کوهها نمی رسد .^۵

و به همین خاطر است که روح ایمان تواضع می باشد .^۶

مفسر

نشستن پیامبر اکرم (ص) :

در روایت است که پیامبر (ص) روی زمین نشسته ، غذا می خورد و می فرمود: من یک بنده هستم ، مثل بندگان غذا می خورم .^۷

رسول خدا (ص) که در مجلس وارد می شد ، هیچ وقت صدر مجلس نمی نشست . اصلا مجلس پیامبر (ص) بالا و پایین نداشت ، دایره وار بود ، هر کجا جا بود آنجا می نشست ، بعضی از اهالی خارج که می آمدند و پیغامی داشتند می خواستند ، محمد (ص) را ببینند و بشناسند ، می پرسیدند ، محمد کجاست . می گفتند : در مسجد است . به مسجد که می آمدند ، می دیدند مجلس حلقه ای است ، نگاهی می کردند و می گفتند : « ایکم محمد » کدامتان محمدید ؟ چون می دیدند ، هیچ فرقی نمی کند همه یکنواختند . اینجا بالا و پایین ندارد دور هم نشستند رسول خدا (ص) می فرمود : بلی من محمد چه می گویی ؟^۸

به روایت عبد العظیم حسنی (ره) ، رسول خدا (ص) سه گونه می نشست :

{ گاه کف پاها را زمین نهاده } ساقهای پاها بلند می کرد و دو دست خود را جلو آن قرار می داد و ساق دست را در کف دست دیگر می گرفت گاه دو زانو می نشست ، و گاه یک پا را تا کرده ، زیر ران می نهاد و پای دیگر را روی آن می خواباند . و هرگز دیده نشد که آن حضرت (مانند متکبران) چهار زانو بنشیند .^۹

در مجلس نمی نشست و بر نمی خواست مگر با یاد خدا ،^{۱۰} و در مجلس جای مخصوص برای خود قرار نمی داد ، و ایشان چون داخل مجلس می شد : در آخر مجلس که خالی بود می نشست و مردم را بدین کار امر می فرمود با هر که می نشست تا او اراده ی برخاستن نمی کرد ، بر نمی خواست .^{۱۱}

خوابیدن پیامبر اکرم (ص)

خداوند و پرستش او، تنها چیزی بود که همیشه در خاطر پیامبر اکرم (ص) جلوه می نمود و تواضع و خشوع در برابر خداوند، تنها کار حضرت (ص) بود. این بود که در هنگام خوابیدن نیز یاد محبوب خویش بود. نقل کرده اند که: هرگاه پیامبر (ص) آهنگ بستر خویش می فرمود، چنین عرضه داشت: (سپاس خداوندی را که به ما خوراک و آشامیدنی عرضه می داشت و گرفتاری های ما را کفایت کرد و ما را پناه داد، و چه بسیار کسانی که نه کفایت کننده دارند و نه پناهنده.^{۱۳}) آری مردان واقعی، آنان که هدف خلقت را هیچگاه فراموش نمی کنند، این گونه زندگی می کنند.

غذا خوردن پیامبر (ص)

قال الحسن (الصیقیل) سمعنا ابا عبد الله (ع) يقول مرت برسول الله (ص) امراه وهی بذیه وهویاکل

فقالت: یا محمد انک لتاکل العید وتجلس جلوسه، فقال لها ویحک وای عبد اهد منی؟

فقالت: اما لا- فناولنی لقمه من طعامک فناولها رسول الله (ص) لقمه من طعامه فقالت: لا والله الا من نیک قال: فاخرج اللقمه من فیه، فناولها ایاما فاکلها، قال ابو عبد الله (ع) فما اصابته بذاه حتی فادت الدنيا.^{۱۳}»
روزی از محله های (بیهوده گویان) مدینه می گذشت. رسول خدا (ص) را دید که روی خاک نشسته است و غذا میل می نماید (خرما یا قطعه نانی بوده).
زن گفت: آقا مثل غلام ها نشسته اید. مثل غلامان خوراک میل می کنید، اگر کسی رد شود نمی فهمد که تو چه کسی هستی؟

فرمود: چه کسی از محمد بنده تر است. بنده ی رب العالمین ملک الملوک
گفت: یا محمد، منت بر من بگذار، از این لقمه ای که می خوری، به من هم بده. رسول خدا(ص) دست دراز کرد که خرما یا چیز دیگری که بود به او بدهد.
زن گفت: تو را به خدا سوگند از دهان مبارکت به من بده رسول خدا(ص) لقمه ای از دهان مبارکش به او داد آن را خورد.

به شهادت امام صادق (ع) که فرمود: این زن از آن روز تا آخر عمر دیگر مریض نشد، به برکت لقمه ی دهان رسول الله (ص).^{۱۴}
انس بن مالک روایت کرده که، پیامبر (ص) می فرموده است: «اگر پاچه گوسفند را به من هدیه دهند، آن را می پذیرم و اگر برای خوردن مرا دعوت کنند نیز پذیرا خواهم بود.»^{۱۵}

انس می گوید : رسول خدا (ص) به ظرف شیری افطار می کرد و مقداری هم برای سحرش نگه می داشت و گاهی یک خوراک شیر ، بیشتر نداشت و گاهی نان را در آن می گذاشت و میل می فرمود . شبی برایش ، شیر آماده کردم ولی پیامبر (ص) دیر نمود و گمان کردم ، بعضی از یارانش او را دعوت - نموده اند پس آن شیر را نوشیدم .

پیامبر (ص) پس از مدتی از شب آمد ، از همراهان آن حضرت پرسیدم ، آیا پیغمبر (ص) در جائی افطار فرموده بود . گفتند : نه !

آن شب را جز خدا کسی نمی داند ، که بر من چه گذشت و از غصه ی اینکه پیامبر (ص) از من شیر بخواد و نباشد .

رسول خدا (ص) آن شب را گرسنه به سر برد ، و دو روز را روزه داشت و از من شیر نخواست و تاکنون از آن مطلب سخنی به میان نیاورده است .^{۱۶}

از شعیب بن عبد الله بن عمرو نقل می کردند که هرگز دیده نشده است که ، رسول خدا (ص) در حال تکیه دادن چیزی بخورد .^{۱۷}

قال : سمعت يقول : « قال رسول الله (ص) لا اكل متكئا » از ابو حنیفه نقل می کردند که پیامبر (ص) می گفته است : من درحالی تکیه داده باشم ، چیزی نمی خورم .^{۱۸}

از عطاء بن یار نقل می کنند که « جبرئیل پیش پیامبر (ص) آمد و آن حضرت در منطقه ای در بالای شهر مکه در حالی که تکیه داده بود ، چیزی می خورد ، جبرئیل گفت : ای محمد (ص) مانند پادشاهان غذا خوری ، رسول (ص) نشست .^{۱۹}

در معانی الاخبار از ابا بصیر از حضرت امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود :

(فرشته ای خدمت حضرت رسول (ص) فرود آمد گفت : یا محمد (ص) خدایت سلام می رساند و می فرماید : اگر بخواهی مکه را برای تو از طلا پر سازم ، رسول خدا (ص) سر را به سوی آسمان بلند نمود و عرض کرد : بار الها این حال برابر من خوشتر است که یک روز از غذا سیر شوم و شکرگزاری نمایم و روز دیگر گرسنه بمانم و درخواست نمایم .^{۲۰}

زهري نقل می کند که ، می گفت : فرشته ای که قبلا به حضور پیامبر(ص) نیامده بود همراه جبرئیل به حضور آمد و در حالی که جبرئیل سکوت کرده بود . آن فرشته به پیامبر (ص) گفت: پروردگارت تو را مخیر فرموده است که پیامبر (ص) به جبرئیل تگریست و گوئی از او نظر خواهی فرمود . جبرئیل اشاره کرد که تواضع فرماید ، و رسول خدا(ص) فرمود: که ترجیح می دهم که پیامبر(ص) و بنده باشم ، زهري می گوید : گفته اند که پس از این گفتار تا هنگامی که از جهات رخت بر بست ، در حال تکیه دادن غذا نخورد .^{۲۱}

پیغمبر

پروین و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

سلام نمودن پیامبر اکرم (ص)

پیامبر گرامی اسلام ، ابتدا به سلام بود. یعنی اول ایشان سلام می نمودند و دیگری پاسخ می داد. در حدیثی از ایشان نقل شده که ، « خمس لا ادهن حتی الممات : الاکل علی الحضیض مع العبید و رکوب الحمار موکفا و حلب العنز بیدی و لبس الصوف و التسلیم علی الصبیان لیکن ذلک سنه من بعدی »

تا عمر دارم پنچ چیز را ترک نخواهم کرد ، یکی خاک نشینی و غذا خوردن با غلامان ، سواری بر دراز گوش ، دوشیدن بز به دست خود ، پوشیدن پشم و سلام کردن (ابتدا به سلام) بر اطفال تا این که بعد از من سنت گردد.^{۳۲}

توقع سلام کردن از احدی نداشت ، محمد (ص) حتی به کوچکتر ها ابتدا ، سلام می کرد و تا شخصی از دور نمایان می شد او هنوز سلام نموده ، پیامبر (ص) می فرمود (سلام علیکم) ، همیشه سبقت می گرفت . دوستاناران پیامبر (ص) پشت دیواری پنهان می شدند تا همین که پیامبر(ص) رسید ، ابتدا به سلام ، آن ها باشند . اما رسول خدا (ص) وقتی به آن جا می رسید ، می فرمود : فلانی که پشت دیوار هستی (سلام علیکم) .

خودشان می فرمودند : من تا عمر دارم ابتدا به سلام را ترک نمی کنم.

اما متأسفانه امروز ، تا دیگری به ما سلام نکند ، ما حاضر نیستیم به او سلام کنیم . مهم نیست که او از ما خوشش می آید یا نه ، و یا کوچکتر است یا بزرگتر ، از لحاظ موقعیت و مقام از ما بلند تر است یا پایین تر ، فقیر است یا پولدار و سرمایه دار . مهم این است که ما اگر پیرو سنت رسول الله (ص) هستیم ، سنت آن حضرت را گرامی نگه داریم و از ترک آن بترسیم و بپرهیزیم .

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: کوچک به بزرگ سلام کند ، یک نفر به دو نفر ، جمعیت کم به جمعیت فراوان ، و رهگذر به کسی که ایستاده است . و ایستاده بر کسی که نشسته است.^{۳۳}

پیامبر

بودن و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

سلام از اسماء الهی است.

حضرت محمد (ص) فرمودند: «السلام (اسم) من اسماء الله فافشوه بینهم فان الرجل المسلم اذا مر بالقوم فسلم عليهم فان لم يردوا عليه من هو خیر منهم واطیب .» «سلام» از اسماء الهی است، بنابراین سلام را بین خودتان شیوع و رواج دهید، چون وقتی مرد مسلمانی به گروهی سلام کند و از آنان پاسخ نشنود، کسی وجود دارد که بهتر و پاکیزه تر از آنان پاسخ دهد.

رسول خدا (ص) فرمود: «اذا لقی الرجل اخاه فسلم علیه و صافحه لم یفرغ احدهما یده عن صاحبه

حتى یغفر لهما.»

زمانی که مسلمانی با مسلمان دیگر ملاقات کند و به او سلام نمود و مصافحه کند، پیش از آن که از یکدیگر جدا شوند، گناهان آن ها آمرزیده می شود.

پیامبر (ص) فرمود: «اذا سلم المؤمن علی اخیه المؤمن فیبکی ابلیس (لعنه الله علیه) هو یقول یا

ویلته لم یفترقا حتی یغفر الله لهما.»

زمانی که مومنی به برادر مومن سلام کند ابلیس لعین، گریه کنان می گوید: وای بر من! این دو از هم جدا نمی شوند مگر آن که گناهانشان بخشیده شود.

و فرمودند: وقتی به همدیگر رسیدید با هم دست بدهید تا کینه ها از دل های شما بیرون رود.

رسول خدا (ص) فرمود: «ما فشاء السلام فی قوم الا آمنوا من العذاب فان فعلتموه دخلتم الجنة»

هیچ قومی سلام را در میان خود انتشار و رواج نداد مگر آن که از عقاب و عذاب الهی در امان

ماندند، پس اگر شما به یکدیگر زیاد سلام کنید وارد بهشت می شوید.^{۲۳}

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اذا تلاقیتهم، فتلاقوا بالتسلیم والتصافح»

هر گاه یکدیگر را دیدار کردید، با سلام و دست دادن با هم دیدار کنید.^{۲۵}

فصل دوم نماز

«والذین یتبتون لربهم سجدا و قیما»^{۲۶}

آن ها کسانی هستند که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند.

امام صادق (ع) می فرمود: رسول خدا (ص) دو برابر نماز های واجب شبانه روز نماز مستحبی

می خواندند و دو برابر روزه ی واجب روزه می گرفت.^{۲۷}

نقل کرده اند که پیامبر (ص) چندان نماز مستحب گزارد که پاهایش آماس کرد . به آن حضرت گفته شد : آیا لازم است به خود این همه رنج دهی و حال آن که خداوند همه لغزش های گذشته و آینده تو را بخشیده است ؟ فرمود : آیا در برابر این احسان ، بنده ای سپاسگزار نیاشم .^{۲۸}

علی (ع) ضمن حدیثی فرمود : پیامبر (ص) چون دهه آخر، ماه مبارک رمضان فرا می رسید برای عبادت آماده می شد و دامن همت به کمر زده ، از خانه بیرون می آمد و در مسجد اعتکاف می نمود و شبها را تا صبح بیدار بود و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد.^{۲۹}

نماز شب پیامبر اکرم (ص) :

امام صادق (ع) در بیان چگونگی نماز رسول خدا (ص) می فرمود: شبها به هنگام خواب ، ظرف آبی را که روی آن را پوشانده بودند ، بالای سر آن حضرت (ص) و مسواک او زیر بسترش می نهادند. و آن حضرت می خوابید آن قدر که خداوند بخواهد. وقتی از خواب بیدار می شد ، می نشست و دیده به آسمان می گرداند و آیات آخر سوره آل عمران «ان فی خلق السموات والارض لآیات...» را تلاوت می نمود . سپس مسواک می کرد ، و وضو می گرفت و به محل نماز می رفت و چهار رکعت (از نماز شب) می خواند و رکوع هر رکعتش به قدر حمد و سوره ای بود که می خواند و سجودش به قدر رکوع آن طول می کشید به حدی که می گفتند : کی از رکوع سر بر می دارد و به سجده می رود ؟ و آن قدر در سجده می ماند که می گفتند : کی سر از سجده بر می دارد ؟ آن گاه به بستر خود باز می گشت و دوباره می خوابید ، آن قدر که خدا بخواهد . پس بیدار می شد و می نشست و دیده به آسمان می گرداند و آیات آخر سوره آل عمران را تلاوت می کرد ، آن گاه مسواک می کرد و وضو می گرفت و به محل نماز می رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب می پرداخت به همان نحو که قبلا خوانده بود . باز به بستر می رفت و مقداری که خدا بخواهد ، می خوابید. پس بیدار می شد و دیده به آسمان می گرداند و همان آیات را تلاوت می نمود و باز مسواک کرده ، وضو می گرفت و (دو رکعت شفع و یک رکعت وتر) را می خواند و بعد از آن دو رکعت نافله صبح را می گذرد و برای نماز صبح به مسجد می رفت .^{۳۰}

از عایشه در مورد چگونگی نماز شب پیامبر (ص) پرسیدند : گفت : معمولا پس از نماز عشا در آغاز شب می خوابید و سپس بر می خاست و نماز می گزارد . چون نزدیک سحر می شد ، نماز وتر خود را می گزارد و آن گاه در بستر خود می آرمد . اگر می خواست ، با همسر خویش گرد می آمد و

همین که آوای اذان را می شنید ، شتابان از جای خود بر می خاست اگر لازم بود ، غسل کند ، چنان می کرد و گرنه وضو می گرفت و برای نماز صبح به سوی مسجد بیرون می شد .^{۳۱}

از ابن عباس نقل می کنند که گفته است ، شبی در خانه ی میمونه همسر پیامبر (ص) که خاله ابن عباس بوده ماندم . پیامبر (ص) در طول بستر ، استراحت فرمود و من در عرض آن حضرت (ابن عباس به رعایت ادب ، پایین پیامبر (ص) خوابیده است) پیامبر (ص) تا نزدیک نیمه شب ، یعنی اندکی پیش یا پس از آن خوابید و سپس بیدار شد و دست بر چهره خود کشید . چشم های خود را مالید و . آن گاه ده آیه سوره آل عمران را تلاوت فرمود و سپس از جای برخاست ، و از مشکی که آویخته بود به بهترین وجه وضو گرفت . آن گاه به نماز ایستاد . من هم برخاستم و وضو گرفتم و کنار آن حضرت ایستادم . پیامبر (ص) دست راست خود را بر سر من نهاد و سپس گوش راست مرا با مهربانی گرفت و کشید .

رسول خدا (ص) شش نماز دو رکعتی گزارد و پس از آن نماز وتر را خواند در بستر آرمید . چون فرارسیدن وقت نماز را اعلام کرد ، رسول خدا بر خاست و دو رکعت نماز آسان گزارد و سپس برابر نماز صبح از خانه بیرون آمد .^{۳۲}

وقتی پاسی از شب می گذشت ، رسول خدا (ص) از بستر بر می خاست و پس از گرفتن وضو و زدن مسواک و تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم ، در گوشه ای به عبادت می پرداخت و اشک می ریخت .

بعضی از همسرانش که او را به این حال می دیدند ، می گفتند : تو که گناهی نداری . چرا این قدر اشک می ریزی ؟ می فرمود : آیا بنده شاکر خدا نباشم ؟

ام سلمه می گوید : شبی پیامبر(ص) در خانه من بود ، نیمه شب ، او را نیافتم به سراغش رفتم دیدم در تاریکی ایستاده ، دست ها را بلند کرده ، اشک می ریزد و می گوید : خدایا نعمت هایی که به من داده ای از من مگیر ، دشمنم را خشنود مکن ، به بلاهایی که مرا از آن نجات دادی ، گرفتارم مکن ، حتی به اندازه یک چشم بر هم زدنی مرا به خود وا مگذار . به او گفتم : پدر و مادرم فدایت شوند ، شما که بخشوده شده ای ؟ فرمود : هیچکس از خدا بی نیاز نیست . حضرت یونس آنی به خود واگذار شد ، در شکم ماهی زندانی شد .

به هنگام نماز می لرزید و هر گاه نماز را به تنهایی می خواند رکوع و سجود آن را طول می داد ولی هرگاه به جماعت نماز می خواند ، بسیار عادی و ساده برگزار می کرد ، به یکی از یارانش که امام جماعت سایر مسلمانان شده بود ، سفارش فرمود : هرگاه با مردم به نماز می ایستی ، سعی کن بعد از حمد ، سوره کوچکی قرائت کنی و نماز را طول ندهی .^{۳۳}

پیامبر

ببین و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

رسول خدا (ص) فرمود: هرکس در دل شب با خدای خود خلوت کند و با او به راز و نیاز بپردازد، خداوند نور خود را در دل او استوار سازد، و هرگاه بگوید: پروردگارا! خداوند جلیل، جل جلاله ندا دهد، لیبیک بنده من، از من بخواه، تا بدهم و به من توکل کن، تا تو را کفایت کنم. سپس خداوند بزرگ می فرماید: فرشتگان من! به سوی بنده ام بنگرید که در تاریکی شب، در حالی با من خلوت کرده است، که بیهوده کاران مشغول لهو و لعب و غافلان در خوابند، شما گواه باشید که من او را آمرزیدم، سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی، کوشش و عبادت.^{۳۳} همان طور که ذکر شد، پیامبر (ص) شب هنگام با خداوند متعال خلوت می کرد و این دستور زیبا و این نعمت بزرگ نیز توسط خداوند ایجاد شد تا آن جا که می فرماید:

«یا ایها المزملم قم اللیل الا قلیلا، نصفه او انقص منه قلیلا لوزد علیه ورتل القرآن ترتیلا»^{۳۴}

ای جامه به خود پیچیده، شب را جز کمی بپاخیز. نیمی از شب را با کمی از آن کم کن، یا بر نصف بیفزا او قرآن را با تامل و دقت و در نهایت روشنی و فصاحت تلاوت کن. اشاره به، خود پیچیدن این است که، دوران گوشه گیری و انزواگرایی نیست، بلکه دوران قیام و خود سازی و آمادگی برای انجام رسالتی عظیم است. چرا شب را خلوت می کنید؟ انتخاب دقیق شما برابر این است که اولاً: چشم و گوش دشمنان در خواب است و ثانیاً: کارهای زندگی تعطیل می باشد و به همین دلیل آنان آمادگی بیشتری برای اندیشه و تفکر و تربیت نفس دارد. چرا دستور به قرآن داده شده است؟ چون قرآن کتابی است که در بردارنده ی تمام دستورات لازم و ضروری است. و بهترین وسیله برابر تقوی، ایمان، استقامت، پرورش، نفس و کمال انسان است.^{۳۵}

فضیلت نماز شب:

امام صادق (ع) فرمودند: «ان من روح الله تعالی ثلاثه: التهجید باللیل و افطار الصائم و لقاء الاخوان» سه چیز است از عنایات مخصوص الهی، عبادت شبانه (نماز شب) و افطار دادن به روزه داران، و ملاقات برادران مسلمان.^{۳۶}

در تفسیر آیه «ان الحسنات یذهبن السیئات» کارهای نیک اثر کارهای بد را از بین می برد.^{۳۷} می فرمود: «صلاه اللیل تذهب بذنوب النهار» نماز شب گناهان روز را از بین می برد.^{۳۸}

رسول خدا (ص) می فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، نزد من محبوب تر از دنیا و آن چه در آن است.^{۳۹}

«ان ناشئه الیل می اشد و طنا و القوم قیلا»^{۴۰} همانا نماز شبانه پا برجا تر و با استقامت تر است.

«ومن اللیل فاسجد له و سبحه لیلا طویلا، ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سیلا»^{۴۱}

شبانگاه برابر او سجده کن، و مقداری زیاد از شب، تسبیح او بگو. این تذکر و یادآوری است که بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگار انتخاب می کند.

امام حسین (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرد که آن حضرت فرمود: کسی که عمرش با قیام شب و عبادت خدا خاتمه یابد، اهل بهشت است.^{۴۲}

روایت شده است که: خانه هائی که هنگام شب در آن نماز خوانده می شود و قرآن تلاوت می گردد، برای اهل آسمان نور افشانی می کنند، همان گونه که ستارگان درخشان برای اهل زمین نور افشانی می کنند.^{۴۳}

امیر المومنین علی (ع) فرمود: مردی را دیدم که نمازش را نیکو بجا می آورد و به درگاه خدای متعال تضرع و ناله بسیار می کرد، پیامبر اکرم (ص) با دست مبارکش اشاره کرد و فرمود: «این مرد اهل بهشت است»^{۴۴}

سجده ی پیامبر اکرم (ص):

امیر المومنین (ع) روایت نموده که رسول خدا (ص) در سجده این دعا را می خواند:

«اللهم لک سجدت و یک آمنت و لک اسلمت، سجد وجهی للذی خلقه و صوره و شق سمعه و بصره،

فتبارک الله احسن المخلوقین» بار الها، برای تو سجده کردم، و به تو ایمان می آورم، و تسلیم تو هستم. چهره (و حقیقت) من بر کسی سجده کرد که آن را آفرید و تصویرش نمود، و چشم و گوش برایش شکافت، پس مقدس و والاست خدای یکتا که بهترین آفرینندگان است.^{۴۵}

امام باقر (ع) فرمود: رسول خدا (ص) به محل سجده ی خود آب می پاشید.^{۴۶}

علی (ع) فرمود: شبی که رسول اکرم (ص) به معراج رفت، خداوند به او فرمود: یا احمد! آیا می دانی که در چه وقت بنده ای مقرب در گاه من می شود؟ عرض کرد: خیر. خداوند فرمود: زمانی که گرسنه (در حال روزه) و یا در سجده باشد.^{۴۷}

به هنگام نماز می لرزید، نماز را به تنهایی می خواند رکوع و سجود آن را طول می داد، ولی هرگاه به جماعت نماز می خواند بسیار عادی و ساده برگزار می کرد. به یکی از یارانش که امام

جماعت سایر مسلمان شده بود سفارش می نمود: هرگاه با مردم به نماز می ایستی سعی کن بعد از حمد، سوره کوچکی قرائت کنی و نماز را طول ندهی.^{۳۸}

در روایتی از امیرالمومنین (ع) که فرمود: مردی نزد رسول خدا (ص) آمد، و گفت: یا رسول الله (ص) مرا راهنمایی فرما، به عملی که به سبب آن خدا مرا دوست دارد و مردمان هم مرا دوست دارند و دارائیم فراوان شود و بدنم سالم ماند و عمرم دراز شود و خدا مرا با تو محشور سازد. رسول خدا (ص) فرمود: این شش حاجت است که به شش خصلت نیازمند است. اگر بخواهی خدا تو را دوست دارد، سپس از او بترس و از گناه پرهیز نما، اگر بخواهی مردم تو را دوست دارند، پس به آن ها نیکی کن و به آن چه در دست آن هاست طمع مکن و چشم نیانداز و اگر خواهی مالت فراوان شود، زکوه ده و اگر خواهی بدنت سالم ماند، زیاد صدقه ده و اگر طول عمر خواهی صله رحم کن و اگر خواهی خدا تو را با من محشور فرماید پس طولانی کن سجده را برای خداوند.^{۳۹}

در حدیثی که گذشت همنشین با پیامبر (ص) مشروطه به طولانی نمودن سجده است، اما چه سجده ای. آیت الله دستغیب^(۴۰) اینگونه از روایات و آیات قرآن موارد سجده را ذکر نموده است:

۱- سجده راه و روش توابین است. (توبه کنندگان و رو به خدا آورندگانست)

۲- سجده سخت ترین اعمال بر ابلیس است.

۳- سجده گناهان را می ریزد مانند باد که برگ درختان را می ریزد.

۴- سجده نزدیک ترین حالات بنده به خداوند است.

۵- سجده نهایت بندگی و خضوع بشریست در برابر حضرت آفریدگار.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت آن برادر که کار کرد.^{۴۰}

اهمیت نماز از نظر پیامبر اکرم (ص) :

در اسرار الصلوه شهید ثانی آمده است : « کان النبی (ص) یتظر وقت الصلوه و یشد شرفه و یتربّ دخوله و یقول لبلال مؤذنه » پیامبر (ص) با اشتیاقی فراوان ، منتظر داخل شدن وقت نماز می شد و مراقب این موضوع بود ، هنگامی که وقت اذان می رسید به بلال می فرمود : ای بلال ما را خوشحال کن ^{۵۱} (ای بلال راحتان کن) .^{۵۲}

« رسول الله (ص) لا یوتر علی الصلوه عشاء و لا غیره و کان دخل وقتها کانه لا یعرف املا و صمیما » امیر المومنین (ع) فرمود : پیامبر (ص) چیزی مثل را برای نماز مقدم نمی داشت و هنگامی که وقت نماز می رسید انگار که هیچ یک از اعضای خانواده و دوستان نمی شناخت .^{۵۳}

عن ابی عبد الله (ع) قال : « کان رسول الله لا یوتر علی صلوه المغرب شینا اذا غربت الشمس حتی یصلیها . »

امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که غروب می شد ، پیامبر (ص) چیزی را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت ، تا زمانی که نماز می خواند .^{۵۴}

پیامبر (ص) فرمود : پس از هر نماز و به انتظار نماز بعد شستن گنجی از گنجهای بهشت است .^{۵۵}

از پیامبر اکرم (ص) است که : نماز را بر همه کارها مقدم بدانید زیرا سر فصل همه طاعات و عبادات نماز است .^{۵۶}

پیامبر (ص) می فرماید : هرگاه مؤذن می گوید : « اشهد ان محمد رسول الله » خدای مهربان می فرماید : ای محمد! خیر شما در نماز گزاردن است و نماز ، برای شما بهتر از همه چیز هاست .^{۵۷}
رسول خدا (ص) می فرمود : نور چشم من در نماز و روزه قرار داده شده (یعنی آن دو را از هر چیز بیشتر دوست می دارم) .^{۵۸}

عن النبی (ص) قال : « یا ایذا ان الله تعالی جعل قره هینی فی الصلاه ، و جیها کما حیب الی الجائع الطعام ، و الی الظمان الماء ، فان الجائع اذا اکل الطعام شیخ ، و اذا شرب الماء روی ، و انا لا اشبع من الصلوه ، الصلوه . » پیامبر (ص) فرمود : ای ابوذر ، خداوند تبارک و تعالی نور چشم من در نماز قرار داده و آن را در نزد من محبوب گردانده است ، همان گونه که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب

گردانده است. پس به درستی که گرسنه با غذا سیر می شود و تشنه با آب سیراب. ولی «والذین یقولین ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان فراما انها ساءت مستقرا و مقاما»^{۵۹}

آن ها کسانی هستند که می گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب سخت و پر دوام است. آن بد جایگاه و بد محل اقامتی است. با این که اینان شب ها و روز ها را به یاد خدا سپری می نمایند و به عبادت او مشغولند و در مسیر انجام وظیفه گام بر می دارند باز هم قلوبشان مملو از ترس مسولیت هاست. همان ترسی که عامل، نیرومندی برای انجام و حرکت به سوی عمل است. عملی بیشتر و بهتر.

دعا راه خود سازی و خداشناسی :

دعا وسیله ی موثری است برای خودسازی و پیوند، نزدیکی است میان انسان و خدا.

دعا شرایطی دارد از جمله این که :

- ۱- شناخت کسی است که ، انسان او را می خواند.
- ۲- شتشوی قلب و دل ، آماده نمودن روح برای تقضای از او است ، چرا که انسان هنگامی که به سراغ کسی می رود ، باید ، آمادگی لقای او را داشته باشد.
- ۳- دعا جلب رضا و خشنودی کسی است که انسان از او تقاضائی دارد ، چرا که بدون آن احتمال تاثیر بسیار نا چیز است .
- ۴- انسان تمام قدرت ، نیرو و توان خویش را به کار گیرد و حداکثر تلاش و کوشش را انجام دهد ، و نسبت به ماورای آن دست به دعا بر دارد و قلب را متوجه خالق کند. زیرا در روایات اسلامی ، صریحا آمده است ، کاری را که انسان خود ، می تواند انجام دهد ، اگر کوتاهی کند و به دعا متوسل شود ، دعایش مستجاب نیست !

در روایتی از پیامبر (ص) داریم : « اللها، سلاح المومن ، و عمود الدین و نور السموات و الارض »

دعا اسلحه مومن ، و ستون دین و نور آسمان ها و زمین است .^{۶۰}

رسول خدا (ص) فرمود : جبرئیل به من دستور داد که قرآن را ایستاده بخوانم ، و حمد خدا را

در رکوع، و تسبیح او را در سجده انجام دهم ، و او را نشسته دعا کنم و بخوانم.^{۶۱}

رسول خدا (ص) : آیا شما را به سلاحی راهنمایی نکنم که از دشمنان نجات بخشد؟ روزی شما

را فراوان و سرشار کند ؟ گفتند : چرا فرمود : به درگاه پروردگارتان در شب و روز دعا کنید ، زیرا

سلاح مومن دعا است .^{۶۲}

اما در مورد دعا‌های پیامبر (ص) بایستی گفت : که در کتب مختلف از جمله سنن النبی (ص) باب جداگانه ای را برای این بحث قرار داده و ما به مختصری اکتفا می کنیم .

دعا پیامبر (ص) و از عذاب جهنم دوری نمودن :

آن حضرت در سجده ، به نقل از امام صادق (ع) می فرمودند: « اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی و

رحمتک ارحمی عندی من علی فاغفر لی ذنوبی یا حیا لا یموت . »

خدایا آمرزش تو از گناهان من واسع تر و رحمت تو در نظر من از کردارم ، امید بخشش تر است ، پس گناهانم را بیامرز ، ای زنده ای که مرگ به او را ندارد.^{۶۳}

رسول خدا (ص) در هنگام تب و سایر دردها خود را، به این دعا تعویذ می کرد « اللهم انی

اهربک من شر هرق نعار و من شر حر النار » خدایا من را از شر رگی که خون به شدت در آن جریان دارد ، و از شر سوزش آتش (دوزخ) به تو پناه می آورم .^{۶۴}

وقتی صدای رعد و برق را می شنید ، می فرمود « اللهم لا تقتلنا بغضبک ، ولا تهلكنا بعدابک و

هافتا قبل ذلک » خدایا ما را به خشم خود نمیران ، و به عذابت هلاک مگردان و پیش از آن ما را عافیت بخش .^{۶۵}

هنگامی که باد زرد و سرخ و سیاه می وزید رنگ چهره ی رسول خدا (ص) می پرید و مانند کسی که بترسد ، زرد می گشت ، و چون قطره ای باران از آسمان نازل می شد ، رنگش بر می گشت و می فرمود : این بادهای رحمت خدا ، را برایتان آورد .^{۶۶}

وقتی در نزد رسول خدا (ص) از اصحاب که نعمت شکنجه شدند ، صحبت می شد ، از سختی بلا و آزمایش به خدای متعال پناه می برد .^{۶۷}

دعا برای همه :

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند : رسول خدا (ص) فرموده است : هرگاه یکی از شما ها

دعا کنید ، برای همه دعا کنید زیرا که آن مستجاب تر است.^{۶۸}

« والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواما »^{۶۹} آن ها کسانی هستند که هرگاه

انفاق می کنند ، نه اسراف می کنند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو اعتدالی دارند.

انفاق همواره در اسلام تاکید شده است چه در احادیث و چه در آیات قرآن ، قرآن در اکثر مواردی که دستور اقامه صلوه (نماز) را داده و دستور به دادن زکوه را نیز داده است « واقیموا الصلوه واتوا الزکوه » .

همچنین در احادیث زیادی آمده مثل حدیثی که در بخش سجده پیامبر (ص) گذشت ، که هر کس دوست دارد به مال فراوان برسد ، پیامبر فرموده اند که زکات بدهد .
خود پیامبر (ص) در این صفت نیز به طور اکمل بود . در روایت است که آن حضرت در ماه مبارک رمضان ، مانند باد تند و سریع بود و چیزی در دستش قرار نمی گرفت و هر چه داشت انفاق می نمود.^{۷۰}

اما پیامبر(ص) به شیوه ی اعتدال انفاق می نمود :

عجلان می گوید : خدمت امام صادق (ع) بودم که سائلی آمد ، امام برخاست و از سیدی که در آن خرما بود ، دست خود را پر کرد و به سائل داد ، دیگری آمد ، امام دوباره برخاست و مشت خرمای برداشت و به او داد، سائل سوم دیگر آمد ، باز هم امام برخاست و مشت خرمای برداشت و به او داد ، بار چهارم سائل دیگر آمد ، امام فرمود : خداوند روزی رسان ما و شماست .

سپس فرمود : کسی از رسول خدا (ص) چیزی از دنیا نمی خواست مگر این که عطا می فرمود، تا آنجا که زنی پسر خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت : نزد حضرت برو و از او چیزی بخواه ، اگر فرمود : فعلا چیزی ندارم ، بگو : پیراهن خود را به من بده . امام فرمود : آن حضرت ، پیراهنش را درآورد و نزد پسر افکند ، آن گاه خداوند آن حضرت را به میانه روی ادب فرمود. و این آیه را فرمود : « ولا تجعل يدك مغلولة الي عنقك » و دست خود را به گردنت میند (بخل مورز) و نیز به طور کلی باز مکن (هرچه داری بده) که در غیر صورت ملول و دلتنگ خواهی نشست.^{۷۱}

آن حضرت بخشنده بود اما اسراف نمی کرد.^{۷۲}

اعتدال در عبادت از نظر پیامبر اکرم (ص) :

« اليسر یمن والعسر شوم » سهل و ساده گرفتن کار میمون و مبارک و دشوار گرفتن آن شوم و پاک است . و قال (ص) : « سد دوا و قاریوا و لن ینجی احدا منکم عمله ، قالوا : و لانت یا رسول الله ؟ قال : ولا الا ان یتغمدنی الله برحمته » راست کردار و اهل مدارا باشید و بدانید که تنها عمل موجب نجات

آدمی نمی شود ، اصحاب گفتند : حتی شما؟ حضرت فرمود : حتی من ، مگر این که خدای مرا غرق لطف و رحمت خویش سازد.

و قال (ص) : « ان الله تعالى رفيق يحب الرفق ويعطي عليه ما لا يعطى على العنف » خدای تبارک و تعالی اهل رفق و مدارا را دوست می دارد ، و پاداشی که به رفق و مدارا می دهد بیش از آن است ، که بر سختی و دشوار گرفتن کار بر بنده ارزانی می دارد .

و قال (ص) : « ليصل احدكم نشاطه فاذا كسل او فتر فليقعد » هر یک از شما می باید که تا نشاط دارد ، نماز بخواند و چون کسل شد و یا سست شد به استراحت بپردازد .

و قال (ص) : « مداراه الناس نصف الايمان والرفق بهم نصف العيش » مدارا با مردم نصف ایمان است و رفق و ملایمت با آن ها نصف زندگی است .

و قال (ص) : « ذروني ما ترككم فانما هلك من كان قبلكم سوء الهم واختلافهم على انبيائهم فاذا امرتكم بشئ فالتوا منه ما استطعتم واذا نهيتكم عن شئ فدهوه » مادام که من مطلبی را طرح نکردم شما از آن پرس و جو نکنید ، زیرا پیشینیان شما به خاطر همین پرس و جوی بسیار از پیامبرانشان هلاک گشتند ، پس چون شما را به کاری امر نمودم آن اندازه در توان شماست انجام دهید و چون از کاری نهی کردم از آن اجتناب نمائید .^{۷۳}

و قال (ص) : « ان هذا الدين متين فاوغل فيه برفق ولا تبغض الي نفسك عباده ريك فان المنبت لا ارضا قطع ولا ظهرا ابقى » این دین ، با متانت است پس با رفق و مدارا در آن درآی و (با سخت گیری های بیجا) نفس خود را از عبادت دل زده مساز ، چرا که آن کس در حرکت یکسره و با تمام توان بتاخت رود نه راهی طی خواهد کرد و نه بر کسی برای خود باقی خواهد گذاشت .^{۷۴}

رفق و مدارا و اعتدال عبادت در سیره عملی پیامبر (ص) :

روایت شده که چون از کعبه بیرون آمدند (پیامبر) فرمود : « ائی دخلت الکعبه ووددت ائی لم

اکن افعل ائی اخاف ان اکون اتمت امتی من بعدی » من داخل کعبه شدم و دوست داشتم ، چنین نمی کردم . زیرا می ترسم این امر سبب رنج و زحمت امت من پس از من گردد؛ (کنایه از این که مسلمانان به خاطر اقتدای به آن حضرت بخواهند داخل کعبه شوند و بر اثر ازدحام کسانی در این میان آسیب ببینند.)

سفیر

ببریت و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

و روایت شده که مردی خدمت آن حضرت رسید و گفت: مادرم روزه داشت، روزه او را بی حال کرد ولی او افطار نمود تا این که از دنیا رفت، رسول خدا(ص) فرمود: «ذهب فصل علیها فان لمک قتلت نفسا» برو بر جنازه او نماز بخوان زیرا مادرت با این کار مرتکب قتل نفس شده است. و روایت شده که روزی رسول خدا در هنگام ایراد خطبه، مردی را دید که در آفتاب ایستاده است. از او سوال نمود، که چرا در آفتاب ایستاده ای؟ مرد گفت: نذر نموده ام که تا شما از ایراد خطبه فارغ نشده آید، در آفتاب بایستم، حضرت فرمود: «لیس هذا بنذر، اما النذر ما ایتنی به وجه الله» این نذر نیست، نذر در مواردی است که عمل نیکی به خاطر رضای خدا انجام گیرد.

و از عقبه بن عامر روایت شده که می گوید: خدمت رسول خدا(ص) رسیدم و گفتم: خواهرم نذر نموده، که با پای برهنه و بدون سایبان به زیارت خانه خدا رود، حضرت فرمود: «ان الله تعالی لا یصنع بشقاء، اختک شیئا، فلترکب والتختمر ولتصم ثلاثه ایام.»

خداوند نیازی به این که خواهرت خودش ره به رنج و زحمت افکند ندارد، بگو بر مرکب شود، و سایه بانی برای خود تهیه کند و بعد سه روز روزه بگیرد.

انس بن مالک می گوید: رسول خدا(ص) در راه مردی را دید که دو نفر زیر بازوانش را گرفته اند و او به سختی، طی مسافت می کند، حضرت(ص) پرسید: این مرد را چه می شود؟ گفتند: او نذر نموده که پیاده طی طریق کند. حضرت(ص) فرمود: «ان الله تعالی لغنی عن تعذیب هذا نفسه، مَره فلیرکب» خدای تبارک و تعالی نیازی به این مرد که خود را بر رنج و رحمت افکند ندارد و او را بگو که بر مرکبی سوار شد.^{۷۵}

روایت شده که شب جمعه حضرت رسول (ص) در مسجد قبا اراده افطار نمود و فرمود: آیا آشامیدنی ای هست که به آن افطار نمایم. اوس بن خولی انصاری کاسه شیری آورد که عسل در آن ریخته بود. چون حضرت(ص) بر دهان گذاشت و طعم آن را یافت، از دهان برداشت و فرمود: که این دو آشامیدنی است که یکی را بدیگری اکتفا می توان نمود، من نمی خورم هر دو را و حرام نمی کنم بر مردم خوردن آن را، ولیکن فروتنی می کنم برای خدا هر که فروتنی کند برای حق تعالی، خدا او را بلند می گرداند و هر که اسراف کند، خدا او را محروم می گرداند و هر که مرگ را بسیار یاد کند، خدا او را دوست می دارد.^{۷۶}

پیامبر (ص) در موارد دیگر نیز اعتدال داشت:

دربیان روشن و سیره اجتماعی پیامبر اکرم (ص) ، علی(ع) فرموده است : « سیره القصد و سته الرشید و کلامه الفصل ، و حکمه العدل . » راه و رسم او با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار (پرورش دهنده) سخنانش روشنفکر حق و باطل و حکم او عادلانه بود.^{۷۷}

« لا یفعل مخالفه ان یفعلوا او یملو الکل عند معتاد یقصر عن الحق ولا یجوزه » آن حضرت هرگز از حال امت خود غافل نمی شد تا مبادا ، امتش گرفتار غفلت یا رنجش خاطر شود و رسول خدا برای همه چیز بسیار معتدل بودند ، نه از حق کوتاه می آمدند و نه از آن تجاوز می کردند.^{۷۸}

« یتفقد اصحابه و یسال الناس عما فی الناس فیحسن الحسن و یتقیر به و یتقبح القبیح و یرهنه معتدل الاسر غیر مختلف » آن حضرت (ص) از حال یاران خود جويا شد . و از آنان دلجویی می کرد و از مردم درباره آنچه در جامعه می گذرد سوال می کرد ، خوبیها را تقویت و از آن دفاع می نمود . و از بدیها به صورت معتدل و متعارف روی گردانی می نمود.^{۷۹}

« و الذین لا یدعون مع الله الها و لا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق و لا یزنون و من یفعل ذلک یلقی اللاما » آن ها کسانی هستند که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند و انسانی که خداوند خونس را حرام شمرد ، جز به حق به قتل نمی رسانند ، و زنا نمی کنند ، و هر کس چنین کند ، مجازاتش را خواهد دید.

در میان علمای شیعه اتفاق است که پیامبران باید ، حتما معصوم باشند ، یعنی از هر گناه کبیره و صغیره چه عمدا و چه نسیانا پاک باشند.

بدیهی است اگر گناهی در گذشته داشته باشد ، نقطه ضعفی برایش شمرده می شود و علاوه بر این که بهانه تبلیغ بر علیه او به دست دشمنانش می افتد ، وقار رهبریت الهی را نیز از بین می برد. در جائیکه یک مامور دولتی و یک کارمند معمولی نباید دارای سوء پیشینه باشد ، چگونه مامور الهی آن هم مامور چنین امر عظیمی که رسالت خداوندی است با داشتن سوء پیشینه امکان ندارد؟

پیامبر الهی بایستی روحی والاتر از سایر ارواح و نفسی قدسی از سایر نفوس داشته باشد. گناه موجب آرایش روح و کدورت نفس می شود .

اعمال به دنبال ی اعتقادات و ملکات است که همه از نفس ناطقه سر چشمه می گردد. وقتی بنا باشد کسی با مبداء وحی یعنی رب العالمین در تماس باشد ، حتما دارای علو و تجردی است که فوق معمول مردمان است .

سفیر

عبودیت و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

از چنین روح صاف و نفس مجرد از علقه های مادی چگونه گفتار و کردار ناشایست سر می زند ، اصلاً منشاء و مبداء غلط در او راه ندارد و به تعبیر قرآن مجید « اذهاب رجس » شده و پلیدی از آنان رفته است.

فضیلت پیامبران ضروری است :

چون پیغمبران برای تکمیل روحانیت و معنویت افراد برگزیده می شوند ، و مردم به برکت پیروی ایشان ، به کمالات انسانی می رسند ، لذا باید خودشان از دیگران برتر باشند تا دیگران از آنان استفاده بنمایند . پس اگر از حیث فضائل و کمالات در میان امت از ایشان ، برتری بود . به حکم عقل نمی شود ، این مدعی نبوت بر افضل از خودش مبعوث باشد از لحاظ صفات کمالی چون علم و حیا باید سرآمد امتش باشد.^{۸۰}

یکتا پرستی پیامبر اکرم (ص) :

آن حضرت یکتا پرستی را پیشه خود ساخته و بدان چندان عشق می ورزید که از هر خلف وعده ای ابا می نمود و اینک نمونه های از سخنان آن حضرت را می آوریم:

رسول خدا (ص) فرمود : هر کس بگوید « لا اله الا الله » برای او در بهشت درختی کاشته شود ، از یاقوت سرخ که از مشک سفید برآمده و از غسل شیرین تر و از برف سپیدتر و از مشک خوشبوتر است و در آن باشد نمونه های پستان دوشیزگان که در زیر هفتاد پیراهن برآمده است .^{۸۱}

رسول خدا (ص) فرمود : بهترین عبادت گفتن « لا اله الا الله » است .

« قال رسول الله (ص) : خیر العبادة قول لا اله الا الله و قال : خیر العبادة الا استغفار و ذلك قول الله

عزوجل فی کتابه :^{۸۲} فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک . »^{۸۳}

امام صادق (ع) فرمود : که رسول خدا (ص) فرموده است : هر کس نماز بامداد گذارد و پیش از آنکه دو زانو را از زمین بردارد ، ده بار بگوید ، نیست شایسته ی پرستشی جز خدای یگانه ، شریک ندارد ، از آن اوست ، ملک و از آن اوست سپاس ، زنده کند و بمیراند و بمیراند و زنده کند (و اوست زنده ای که نمی میرد) به دست او است ، هر خیر و او است به هر چیزی توانا « لا اله الا الله وحده لا شریک له ، له الملك و له الحمد ، یحیی و یمیت و یمیت و یحیی (و هو حی لا یموت) بیده الخیر و هو

علی کل شی. قدیر» و در مغرب همچنان کند، هیچ بنده ای خدا عزوجل را به کرداری بهتر از کردار او برخوردار نکند مگر کسی که به مانند او کار کند. ^{۸۴}

پیامبر (ص) وقتی که مصیبت و یا اندوهی می دید، دست به دعا برمی داشت و می فرمود: «یا عماد من لا عماد له و یا حرز من لا حرز له و یا ذخر من لا ذخر له. و یا سند من لا سند له. و یا ثبات من لا ثبات له، و یا کریم العفو و یا حسن البلاء، و یا عظیم الرجاء، و یا هون الضمفاء، و یا منقذ الغرقى یا منجى الهلكى. یا محسن، یا مجمل، یا منعم، یا مفضل. انت الذی سجد لک سواد اللیل و نور النهار وضوء القمر و شعاع الشمس و دوی الماء و حقیف الشجر. یا الله یا الله یا الله، انت وحدک لا شریک له (ثم یطلب الحاجه)» ای تکیه گاه، هر که بی تکیه گاه است! ای پناه، هر بی پناه! ای ذخیره، هر که ذخیره و پس اندازی ندارد! ای گواه، بی شاهد و بی گواه! و ای فریاد رس، بی کسان! ای که در عفو و بخشش، کریم و بزرگواری! و در امتحان زیبا و نیکوکاری! ای که امیدواری به جنابت، بی کرانه است! ای یاری گر ضعیفان! ای باز گیرنده غریقان! ای نجات بخش، به هلاکت افتادگان! ای صاحب نیکویی و نیکوکاری! ای صاحب جمال و زیبایی و جمال آفرین! ای صاحب نعمت و بخشنده! ای صاحب فضل و بزرگواری و گذشت! تویی که سیاهی شب بر تو سجده کرد، و روشنائی روز. پرتو ماه، تابش خورشید، آوای حرکت آب و خش خش شاخ و برگ درختان، در برابر عظمت، سر به سجده نهاده. یا الله یا الله! تویی، تو یگانه ای و هیچ شریک و انبازی نداری سپس حاجت خود را طلب می فرمود. ^{۸۵}

از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود: ملعون است کسی که اشرفی، طلا و پول نقره را، ملعون کسی که گمراه سازد کوری را، ملعون کسی که بگاید جاندار زبان بسته ای را ^{۸۶}

از امام صادق (ع) است که مردی از ختم نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: کدام عمل نزد خداوند عزوجل دشمن تر است، در پاسخ فرمود: شرک به خدا عرض کرد: سپس چه کاری؟ فرمود: قطع رحم، عرض کرد، سپس چه کاری؟ فرمود: وادار کردن به کار زشت و بازداشتن از کار خوب. ^{۸۷}

گناه و قتل از نظر پیامبر اکرم (ص):

آن حضرت فرمودند: گناه پشت سر گناه دل را می میراند، زیانکار کسی است که از آراستن معاشد غافل می شود. ^{۸۸}

تفسیر

پیامبر اکرم (ص) و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

و فرمودند: بهترین شما کسانی هستند که از گناهان و معاصی پاکند.^{۸۹}
 در مورد قتل و ناموس پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر مسلمانی خون، مال و آبرویش بر
 مسلمان، حرام است، و غیبت آبرو را می برد.^{۹۰}
 در حج الوداع حضرت فرمودند: «ای مردم خون ها و اموال شما بر یکدیگر تا روزی که خدا را
 ملاقات نمایند، مانند امروز و این ماه، محترم و هر نوع تجاوز به آن ها حرام است.»^{۹۱}

بی عفتی از نظر پیامبر اکرم (ص):

«سه کس خداوند نه با آنان سخن می گوید و نه به ایشان نظر دارد: حاکم ستمگر و پیر
 زناکار و عابد خود خواه.»^{۹۲}

«سه کس است که خداوند روز قیامت نه با آن ها سخن می گوید نه به آنان نظر می کند، و
 برای ایشان عذاب دردناکی است: عالمی که با علم خود، مال و جاه دنیا را بجوید، آن کسی که به
 وسیله ارتکاب شبهات، محرّمات را حلال شمارد، و کسی که با ناموس همسایه زنا کند.»^{۹۳}
 «در گناه فرزند آدم همین بس، که نسبت به ناموس همسایه خویش می نگرد»

«مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد فلان کس به ناموس همسایه خویش می نگرد
 حتی اگر بتواند موافقه می حرام نیز انجام می دهد. آن حضرت خشمناک گردید و فرمود: او را نزد
 من بیاورید در این هنگام مرد دیگری عرض کرد: او از شیعیان شماسست و به ولایت و دوستی شما و
 علی بن ابیطالب (ع) معتقد است و از دشمنان شما تبری می جوید، پیامبر خدا (ص) فرمود: نگو از
 شیعیان شماسست، چون او دروغ می گوید، زیرا به راستی شیعه ما کسی است که در عمل از ما
 پیروی و تبعیت کند.»^{۹۴}

«والذین لا یشهدون الزوروا اذا مروا باللغو مروا کراما» آن ها کسانی هستند که شهادت به باطل
 نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند) و هنگامی که به لغو و بیهودگی برخورد کنند
 بزرگوارانہ از آن می گذرند.

حلم و بردباری پیامبر (ص):

انس بن مالک می گوید: ده سال تمام خدمتکار پیامبر (ص) بودم و هرگز نفرمود: چرا چنین و
 چنان نکردی؟

پیامبر

بهدیبت و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

و نیز از انس نقل شده که: در سالیانی به رسول اکرم (ص) خدمت می کردم، هرگز مرا ناسزا نفرمود. هرگز مرا کتک نزد. هرگز مرا از خود نراند و هرگز به من پرخاش نکرد. هرگز در برابر سستی و سهل انگاری من، نسبت به کاری، با من تندی و درشتی ننمود. هرگاه کسی از خاندانش با من خشونت به خرج می داد، حضرت(ص) می فرمود: بازش گزار! هر چه مقدر باشد پیش خواهد آمد.

همچنین از عایشه نقل شده که گفت: پیامبر خدا (ص) هرگز بانویی را به کتک نگرفت. و پیشخدمتی را کتک کاری نکرد. اصلاً چیزی را با دست مبارک مضروب نساخت. مگر در حال جهاد فی سبیل الله. ناسزایی نشنید، که در صد انتقام برآید. مگر این که درباره محارم وی بود که در این صورت عکس العمل نشان می داد.

امام حسین (ع) به نقل از هند، خاله خود فرمود: دنیا رسول اکرم (ص) را به خشم نیاورد، او از دنیا نبود، هنگامی که به حریم حق تجاوز صورت می گرفت هیچ چیز خشم او را فرو نمی نشاند تا این که آن را یاری نماید. هیچ گاه برای شخص خود، خشمگین نگردید و درصد حمایت از خویش بر نیامد.

گرامت حضرت محمد(ص):

از انس نقل شده که همراه رسول اکرم (ص) راه می رفتیم. آن حضرت یک برد نجرائی بر تن داشت که دارای حاشیه ضخیمی بود. ناگهان عرب بیانگردی رسید. ردای مبارک حضرت را با شدت کشید به گونه ای که اثر حاشیه، بر دور گردن حضرت مشاهده کردم. سپس اظهار نمود! ای محمد! از مال خدا که نزد خود داری، چیزی به من بده! آن حضرت متوجه شد به چهره اش خندید و دستور فرمود: چیزی به وی ببخشند.^{۹۵}

«لما بعثت رحمه مهده، لم ابعث لمانا» همانا من بر پایه هدایت و رحمت برانگیخته شده ام و نفرین و لعنت از ساحت ماموریت من به دور است.

رسول اکرم (ص) می فرمود: «اوصانی ریی بسبح: اوصانی بالاخلاص فی السر والعلانیه وان

احفو من ظلمتی، واحطی من حرمتی، واصل من قلمنی، وان یكون صمتی فکرا، ونظری حیرا.»

خدایم مرا به هفت چیز سفارش کرد که، در نهان و آشکار، اخلاص و رزم، از کسی که به من ستم روا داشته، گذشت نهاییم، به کسی که مرا محروم ساخته، بذل و بخشش کنم، نسبت به

آنکه رحم خود را از من بریده، صله رحم به جا می آورم، سکوت خویش را به تفکر سپری نمایم و از مشاهداتم، عبرت بگیرم.

یک نمونه برجسته از عفو و گذشت عظیم و فراگیر آن حضرت، روز فتح جلوه گر شد. با این که قریش با او و یارانش، آن همه دشمنی کردند. آنان را شکنجه دادند. چه در آغاز دعوت و چه پس از هجرت رسول اکرم (ص)، همچنین علی رغم آن همه توطئه، جنگ و لشکرکشی در برابر جنابش، آن حضرت بعد از فتح مکه بر در کعبه ایستاد و خطاب به قریش فرمود: هان! قریشیان! چه می گوئید؟ فکر می کنید با شما چه خواهیم کرد؟ قریشیان یک صدا فریاد زدند: نیکی تو برادری بزرگوار، فرزند برادری کریم و بزرگوار هستی.

حضرت (ص) فرمود: اقول كما اخى يوسف: « لا تریب علیکم الیوم یغفر الہ لکم و هو ارحم الراحمین، اذهبوا فانتہم الطلقاء. » حرف برادرم یوسف (ع) را تکرار می کنم: امروز متاثر و شرمسار می باشید. من شما را عفو کردم، خدا هم گناه شما را ببخشید که مهربان ترین مهربان است بروید شما آزاد هستید.

با این لطف و مهربانی و حلم و بردباری بی نظیر، با بدترین دشمنان خود بعد از دست یابی به آن ها، رفتار می فرمود. بی شک، این خلق و خوی کریمانه و عظیم خلق و خوی پیامبر (ص) است.^{۹۶}

غلام (وحشی) بعد از کشتن حضرت حمزه عموی پیامبر (ص) متواری، اما پس از فتح مکه، چون از طرف حضرت رسول (ص) عفو عمومی اعلام شد او نیز با پشیمانی و توبه به نزد رسول خدا (ص) آمد و طلب بخشش کرد، حضرت (ص) نیز وی را بخشید. ولیکن به او فرمود: کاری کن تا از این به بعد چشمم به تو نیفتد، چون وقتی تو را می بینم، داغم تازه می گردد.^{۹۷}

رفتار با کارگر و خدمتکار:

« قال (ص): لا تستخدموا ارقانکم باللیل، فان اللیل لهم والنهار لکم »

بردگان و خدمتکاران را در شب به کار مگیرید زیرا شب از آن آنهاست و شما تنها در روز حق استفاده از خدمت آن ها را دارید.^{۹۸}

« و قال (ص): اذا صنع مملوک احدکم طعاما فولی حره و عمله فقر به الیه فلیدعه فلیاکل معه و ان ابی فلیضع فی یدہ مما صنع » هرگاه خدمتکار شما غذایی تهیه کرد و زحمت پخت و تهیه آن را کشید

می باید در هنگام صرف آن غذا، او هم بر سر سفره نشیند و اگر حاضر نشد می باید مقداری از آن غذا برای او کنار گذاشت.^{۹۹}

« قال (ص) : لا تضربوا ايمانكم على كسر ائمانكم فان لها اجالا كآجالكم . »

اگر خدمتکار ظرفی شکست، نباید او را برای این کار مواخذه نمود چرا که ظروف را هم چون آدمیان اجل و مهلتی است.^{۱۰۰}

سنگ صبور :

رسول خدا (ص) فرمود : من برانگیخته شده ام تا مرکز حلم و معدن علم و مسکن صبر باشم.^{۱۰۱}

و نیز روایت شده که رسول خدا (ص) چون از چیزی ناراحت و غمگین می شد به نماز و عبادت خدا پناه می برد.^{۱۰۲}

رسول خدا (ص) با خوی خوش خود با مردم معاشرت می کرد ولی دلش از آنان جدا بود، ظاهرش با خلق خدا و باطنش با حق تعالی بود.^{۱۰۳}

مجالس پیامبر اکرم (ص) :

در مجلسی نمی نشست و بر نمی خواست مگر با یاد خدا و در مجلس جای مخصوص برای خود قرار نمی داد و نهی می فرمود، از آن عمل . وقتی وارد مجلس می شد، در آخر مجلس که خالی بود، می نشست و مردم را با این، امر می فرمود و به هر یک از اهل مجلس خود، بهره ی اکرام و الثفات می رساند و طوری رفتار می نمود که هر کس گمان می کرد که، گرامی ترین شخص در نظر رسول اکرم(ص) خودش است. با هر کسی که می نشست، بلند نمی شد از جایش مگر این که طرف مقابل بر می خاست و اگر حاجتی از او می طلبیدند، اگر مقدور بود، روا می کرد و الا به سخن نیکی و وعده زیبایی او را راضی می نمود هرکسی در نزد او در حق تساوی بود . مجلس شریفش مجلس بردباری، حیا و راستی بود . صداها در آن بلند نمی شد، بد کسی در آن گفته نمی شد در آن مجلس کار بدی ذکر نمی شد و اگر کسی خطائی صادر می شد، نقل نمی کردند. و همه با یکدیگر در مقام عدالت انصاف و احسان بودند و یکدیگر را به تقوی و پرهیزکاری وصیت می نمودند و با یکدیگر در کمال تواضع و شکستگی رفتار می کردند. وقار،

سنگینی و احترام پیران را ، زنده می کردند و بر خردسالان رحم می کردند . مردم غریب را نیز مراعات می کردند.

سیرت آن حضرت با اهل مجلس :

پیوسته گشاده رو و نرم خو ، بود و کسی از همنشینی او دچار ضرر نمی شد و صدای بلند نمی نمود و فحش و ناسزا نمی گفت و عیب مردم و مدح بسیار آن ها را نمی کرد و اگر چیزی واقع می شد که با طبعش یکی نبود ، خود را به غفلت می زد . کسی از او نا امید نبود ، مجادله و سخن بسیار نمی گفت . سخن احدی را قطع نمی کرد مگر اینکه سخن اش باطل بود . اما در مورد چیزی که فایده نداشت معترض اش نمی شد و کسی را خدمت نمی کرد و احدی را سرزنش نمی فرمود و دنبال عیب ها و لغزش های مردم نمی گشت و بر بی ادبی غیر عرب ها و اعرابیان صبر می نمود.

۱۰۲

وقتی سخن می گفت : همنشینانش سر به زیر می انداختند ، گویی کمرگ بر فراز سرشان است و در محضر او با یکدیگر منازعه نمی نمودند. هر کسی که در محضرش سخن می گفت به وی گوش می سپردند تا سخن اش تمام شود . از آن چه دیگران را به خنده می انداخت ، می خندیدند و از آن چه دیگران در شکفت می شدند او هم متعجب می شد.

۱۰۵

مرتبہ یقین پیامبر (ص):

« و الذین اذا ذکروا بآیات ربه لم یخروا علیها صما و عمیانا »^{۱۰۶} آن ها کسانی هستند که هرگاه آیات پروردگارشان به آن ها گوشزد می شد کر و کور روی آن نمی افتند.

ذیل این آیه در تفسیر نمونه آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: « مستبصرین لیسوا

بشکاک »^{۱۰۷}

منظور این است که آنها از روی آگاهی گام بر می دارند ، نه از روی شک و تردید. از گفتار و رفتار پیامبر (ص) به خوبی مشاهده می شود ، پیامبر(ص) با چشم و گوش باز حقیقت را درک نموده و روزگار خود را در راه رضای پروردگار می گذراند آن کسانی هستند که به مرتبه « عین الیقین » رسیده اند . و اگر خلافتی را ببینند همراه با عذابش می بینند و می شنوند و اگر کار نیکی نیز انجام شود ، پاداش واقعی آن را درک می نمایند.

صغیر

بودیت و خردسازی پیامبر اکرم (ص)

۳۰

در حدیث معتبر از حضرت رسول (ص) منقولست که ، بدترین بقعه های زمین بازارهاست و آن ها میدان شیطانند . هر روز بامداد علم خود را در بازارها می زند و کرسی خود را می گذارد و بر آن می نشیند و فرزندان خود را پهن می کند که یکی را فریب دهند و ترازو کم می کشد و دیگری کیل را کم کند و دیگری را می دزد و دیگری راس المال را دروغ می گوید . پس می گوید به فرزندان خود که بر شما با جماعتی که پدر ایشان مرده است ، و حضرت آدم و پدر شما زنده است . پس با اول کسی که داخل بازار می شود شیطان داخل می شود ، و با آخر کسی که بیرون می رود ، بیرون می رود و بهترین بقعه های زمین نزد خدا مسجد هاست و محبوب ترین مردم نزد کسی است که زودتر به مسجد می رود و دیرتر بیرون می آید.^{۱۰۸}

در حدیثی از امام صادق (ع) است که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل نموده و ایشان از جانب خداوند می فرمایند : که هیچ بنده ای نیست که نمی خواهم او را به بهشت ببرم مگر آنکه او را در دنیا مبتلا سازم . در جسد او و اگر کفاره ی گناهش نشده بر او سلطانی را مسلط می کنم ، یعنی شر را از او دفع نمی کنم و اگر باز هم کفاره گناهش نشد روزی اش را تنگ می گیرم و اگر پاک نشد ، مرگ را بر او شدید می گیرم . تا بدون گناه بیاید و داخل بهشت او را می برم . بنده ای نیست که آتش جهنم را برای او می خواهم ، مگر اینکه او را کنم و اگر از طلبش باقی ماند ، در نعمت دنیا می باشد و اگر باز عمل باشد قبض روحش آسان می باشد.^{۱۰۹}

رفتار با فرزندان و همسران :

« وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قَرَّةَ عَيْنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا »^{۱۱۰}

آن ها پیوسته از درگاه خدا می خواهند و می گویند پروردگارا از فرزندان ما کسانی قرار بده که مایه روشنی چشم ما گردد.

در روایات متعددی می خوانیم که این آیه درباره حضرت علی (ع) و ائمه اهل بیت (ع) وارد شده بدون تردید که ائمه (ع) از روشنترین مصداقهای آیه می باشد ، اما این مانع از گسترش مفهوم آیه ، نخواهد بود که مومنان دیگر هر کدام در شعاع های مختلف امام و پیشوای دیگران باشند.^{۱۱۱}

رسول خدا (ص) فرمود : روشنی چشم من در نماز ، و لذت من در زنان قرار داده شد است.^{۱۱۲}

رسول خدا (ص) وقتی نماز صبح را می خواند ، به یک یک زنان خود سر می زد (از آنان احوالپرسی می کرد.) رسول خدا (ص) وقتی صبح می شد ، دست نوازش بر سر فرزندان و نوه های خود می کشید .^{۱۱۳}

امام صادق (ع) فرمود: ما خاندان، کودک خود را چون به سن پنج سالگی رسیدند به نماز خواندن دستور می دهیم، شما هم کودکان خود را از هفت سالگی امر به نماز خواندن کنید. ما کودکان خود را در هفت سالگی امر می کنیم به هر اندازه که توانائی دارند، نصف روز یا بیشتر و یا کمتر، روزه بگیرند و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد، افطار کنند. این دستور برای آن است که به روزه گرفتن عادت نمایند. و طاقت پیدا کنند. شما نیز کودکان خود را در نه سالگی به هر اندازه که می توانند امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی بر آنان غالب آمد، افطار کنند.^{۱۱۴}

از رسول خدا (ص) روایت است که هرگاه به خانواده شان سختی و تنگدستی می رسید می فرمود: به نماز برخیزید زیرا پروردگارم مرا به این کار امر کرده است. چنان که فرموده است: در خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکبیا باش، ما روزی از تو نمی خواهیم، بلکه تو را هم ما روزی می دهیم، و فرجام نیکو از آن پرهزگاری است.^{۱۱۵}

رسول خدا (ص) در دعای خود عرض می کردند: «اللهم انی اهوذیک من ولد یکون علیّ ربّاً و من مال یکون علیّ ضیاءاً، و من زوجة تشییئنی قبل اوان مشییئ» خداوندا، به تو پناه می آورم از فرزندی که بر من حاکم باشد، و از مالی که باعث هلاکت من شود (یا از مالی که مفت از دستم بیرون رود) و از همسری که مرا پیر سازد پیش از آنکه به پیری برسم.^{۱۱۶}

پی نوشتها: شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ^۱ - تفسیر نمونه، ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۱۵۳
- شمائل النبی، ابو عیسی محمد بن عیسی ترمزی، ترجمه و استخراج احادیث و حواشی دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، ۱۳۷۲، تهران، ص ۸۵
- ^۲ - همان ج ۱۵، ص ۱۵۴
- ^۳ - شمائل النبی، ص ۸۶

- ۴- قبلی ، ج ۱۵ ، ص ۱۴۹
- ۵- قرآن کریم ، سوره ی اسراء ، آیه ۳۷
- ۶- برگرفته از تفسیر نمونه ، ج ۱۵ ص ۱۴۸ و ۱۴۷
- ۷- درسنامه علم اخلاق ، محمد رضا جباران ، ۸۴ ، ۱۳ ، ص ۱۴۴ ، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۰ ، ص ۲۰۵
- ۸- آدابی از قرآن (تفسیر سوره حجرات) ، آیت الله دستغیب، چاپ کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی ، ص ۵۵
- ۹- سنن النبی (ص) ، آداب سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ، علامه سید محمد حسین طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، اردیبهشت ۱۳۸۵ ، ص ۳۵.
- ۱۰- همان ، ص ۴۹
- ۱۱- منتهی الآمال ، شیخ عباس قمی ، انتشارات کتابچی ، ج ۱ ، ص ۱۹
- ۱۲- شمائل النبی (ص) ، ترمزی ، ترجمه و استخراج و حواشی دکتر محمد مهدوی دامغانی ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ ، تهران ، ص ۱۵۵
- ۱۳- الابرار ، سید هاشم بحرانی ، چاپ علمیه قم ، چاپ اول ، ۱۲۹۷ ق ، ص ۱۱۷
- ۱۴- آدابی از قرآن (تفسیر سوره حجرات) ، آیت الله دستغیب ، چاپ کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی ، ص ۵۴ به نقل از الابرار بحرانی ، ج ۱ ، ص ۱۱۷
- ۱۵- شمائل النبی ، ترمزی ، ، ترجمه و استخراج و حواشی دکتر محمد مهدوی دامغانی ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ ، تهران ، ص ۱۹۱
- ۱۶- سفینه البحار ، شیخ عباس قمی (ره) ، ج ۱ ، ص ۴۱۵.
- ۱۷- طبقات کبری ، محمد بن سعد ، دار صادر بیروت ، ص ۳۸۰ در ترجمه همین کتاب ص ۳۸۳.
- ۱۸- همان ، ص ۹۵

- ۱۹- همان ، ص ۳۸۰
- ۲۰- درس هایی از زندگی پیامبر نور و رحمت ، آیت الله حائری تهرانی ، کتابخانه مسجد ارگ ، ۱۳۷۴ ، ص ۳۷-۳۸
- ۲۱- همان
- ۲۲- تفسیر سوره حجرات ، آیت الله دستغیب (ره) ص ۵۵ ، به نقل از حلیله الابرار بحرانی ، ج ۱ ، ص ۱۳۱.
- ۲۳- اخلاق معاشرت ، جواد محدثی ، موسسه بوستان کتاب قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ص ۳۲-۳۳
- ۲۴- چهل مجلس ، هزار حدیث ، ص ۵۶ تا ۵۴ به ترتیب به نقل از مستدرک الوسائل ، ج ۸ ، ص ۳۶۲ ، مستدرک الوسائل ج ۸ ، ص ۳۵۹ ، مستدرک الوسائل ج ۸ ، ص ۳۶۰ ، نهج البلاغه ص ۶۱۰ ، مستدرک الوسائل ، ج ۸ ، ص ۳۶۳.
- ۲۵- اخلاق معاشرت ، محدثی ص ۳۱ ، به ترتیب به نقل از خصال صدوق ، ص ۱۱ ، سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۶۵
- ۲۶- قرآن کریم ، فرقان ، آیه ۶۴
- ۲۷- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۲۳ .
- ۲۸- شمائل النبی (ص) ، ترمزی ، ترجمه و استخراج و حواشی دکتر محمود مهدوی دامغانی ، چاپ اول ، ۱۳۷۴ ، تهران ، ص ۱۵۵
- ۲۹- قبلی ، ص ۱۲۲
- ۳۰- قبلی ، ص ۱۲۷ و ۱۲۶
- ۳۱- همان ، ص ۱۵۷
- ۳۲- همان ، ص ۱۵۸ و ۱۵۷

- ۳۳- پیامبر (ص) گروه نهج البلاغه ، دار القرآن مرکزی کمال ، انتشارات سناباد چاپ دوم ص ۳۲
- ۳۴- مجموعه ورام ، ابوالحسین ورام بن ابن فراس ، محمد رضا عطایی ، بنیاد پژوهش های اسلامی ۱۳۶۹ ، ص ۳۴۹
- ۳۵- قرآن کریم ، مزمل ، آیات ۵-۱
- ۳۶- تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی و دیگران ، دار الکتب الاسلامیه ، تهران ، چاپ ۱۵ ، ۱۳۷۸ ، ج ۲۵ ، ص ۱۶۶
- ۳۷- هزار نکته درباره نماز ، حسین دیلمی ، قم ، چاپ اول ، انتشارات حرم ، ص ۲۱۵
- ۳۸- همان ، ص ۱۷۳
- ۳۹- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۴۶
- ۴۰- قرآن کریم ، مزمل ، آیات ۷
- ۴۱- قرآن کریم ، دهر ، آیات ۲۶ و ۲۹
- ۴۲- هزار نکته درباره نماز ، حسین دیلمی ، ص ۱۸۰ ، به نقل از سازندگی های امام حسین (ع) ، ص ۱۴۶
- ۴۳- همان ، ، ص ۱۷۹ به نقل از رساله لقاء الله ص ۱۳۰
- ۴۴- همان ص ۱۸۰ به نقل از تفسیر ابو الفتوح رازی ، ج ۱ ، ص ۱۶۲
- ۴۵- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۴۵
- ۴۶- همان ، ص ۱۳۶
- ۴۷- هزار و یک نکته درباره نماز ، ص ۸۷ ، به نقل از ارشاد القلوب دیلمی ، ج ۲ ، ص ۲۸۶ ، (باب ۵۴)
- ۴۸- سیره پیامبر اعظم (ص) ، انتشارات سناباد ، ص ۳۲

- بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۷
- ۴۹- آدابی از قرآن (سوره حجرات) ، ص ۶۲ . (وا ذاردت ان يحشرک الله معی فاطل السجود بین یدی الله الواحد القهار)
- ۵۰- همان ، ص ۶۳
- ۵۱- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵
- ۵۲- همان ، ص ۹۵
- ۵۳- همان ، ص ۳۲۲ و ۳۲۳
- ۵۴- همان ، ص ۳۲۳
- ۵۵- هزار و یک نکته درباره نماز ، حسین دیلمی .
- ۵۶- همان ، ص ۶۷
- ۵۷- همان ، ص ۶۷
- ۵۸- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۳۸
- ۵۹- قرآن کریم ، فرقان ، آیات ۶۵-۶۶
- ۶۰- تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی و دیگران ، ج ۱۵ ، ص ۱۷۵ ، به نقل از اصول کافی ، با دعا سلاح مومن ج ۲
- ۶۱- قبلی ، ص ۱۶۱
- ۶۲- اصول کافی ، مرحوم کلینی (ره) ، ترجمه آیت الله محمد باقر کمره ای ، انتشارات اسوه ، ۱۳۷۲ ، چاپ دوم ، باب دعا و سلاح مومن ، ج ۶ ، ص ۲۱
- ۶۳- قبلی ، ص ۱۷۷
- ۶۴- همان ، ص ۱۸۵
- ۶۵- همان ، ص ۱۹۹

۶۶- همان، ص ۱۹۹

۶۷- همان، ص ۱۹۹

۶۸- اصول کافی، ج ۶، باب دعا برای همه، ص ۷۱

۶۹- قرآن کریم، فرقان، آیه ۲۷

۷۰- سنن النبی (ص)، علامه سید محمد طباطبائی، ترجمه حسین استاد ولی،

انتشارات پیام آزادی، چاپ هشتم، ۱۳۸۵، ص ۳۴

۷۱- همان، ص ۱۵۷

۷۲- همان، ص ۳۹

۷۳- نگاهی دوباره به سیمای پیامبر (ص)، رضا رجب زاده، چاپ اول، انتشارات

رستگار مشهد مقدس، ۱۳۷۴، ص ۳۰۸-۳۱۳

۷۴- اصول کافی، مرحوم کلینی (ره)، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسوه،

چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۲۶۵

۷۵- قبلی، ص ۳۱۲ و ۳۱۱

۷۶- منتهی الآمال، مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره)، انتشارات کتابچی، ج ۱،

ص ۲۱

۷۷- نهج البلاغه، مرحوم سید رضی (ره)، انتشارات کتاب یوسف، چاپ اول،

۱۳۷۸، ترجمه مصطفی زمانی (ره)، ص ۲۰۴، خطبه ۹۳

۷۸- سیره پیامبر اعظم (ص)، بخش فرهنگی مرجع عالیقدر حضرت فاضل لنکرانی،

انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۸۹

۷۹- همان، ص ۳۳

۸۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۲

۸۱- اصول کافی: ثقه الاسلام کلینی (ره)، ترجمه آیت الله محمد باقر کمره ای،

انتشارات اسوه، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۵۳

- ۸۲- قرآن کریم، محمد، آیه ۲۲
- ۸۳- قبلی، ج ۶، ص ۱۵۴ و ۱۵۳
- ۸۴- همان، ص ۱۵۸ و ۱۵۷
- ۸۵- سرچشمه های نور، گروه محققین، ترجمه مسلم صاحبی و محمود شریفی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۹، ص ۱۷۱
- ۸۶- اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی (ره)، ترجمه آیت الله محمد باقر کمره ای، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ج ۵، ص ۱۲۱
- ۸۷- همان، ص ۱۶۹ و ۱۶۷.
- ۸۸- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۵۱
- ۸۹- همان، ابوالحسن ورام بن ابی فراس، ترجمه محمدرضا عطائی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۰
- ۹۰- همان، ج ۱، ص ۲۲۵
- ۹۱- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، انتشارات دار التبلیغ اسلامی، ج ۲، ص ۸۳۲
- ۹۲- قبلی، ج ۲، ص ۲۵۶
- ۹۳- همان، ص ۲۵۷
- ۹۴- چهل مجلس و هزار حدیث، احمد دهقان، انتشارات صبح پیروزی، ۱۳۸۱، ص ۸۱
- ۹۵- سرچشمه های نور، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲
- ۹۶- سرچشمه های نور، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴
- ۹۷- چهل مجلس و هزار حدیث، احمد دهقان، قم، انتشارات صبح پیروزی، ۱۳۸۱، ص ۹۱
- ۹۸- نگاهی دوباره به سیمای پیامبر (ص)، رضا رجب زاده، چاپ اول، انتشارات رستگار مشهد مقدس، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲

۹۹- همان ، ص ۳۳۲

۱۰۰- همان ، ص ۳۳۲

۱۰۱- سنن النبی(ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳

۱۰۲- همان ، ص ۴۳

۱۰۳- همان ، ص ۴۶

۱۰۴- منتهی الآمال ، شیخ عباس قمی (ره) ، ج ۱ ، ص ۲۰ و ۱۹

۱۰۵- سیره معصومان ، سید محسن امین م علی حجتی کرمانی ، انتشارات سروش ، تهران ۱۳۷۶ ، چاپ دوم ، ص ۲۵

۱۰۶- قرآن کریم ، فرقان ، آیه ۷۳

۱۰۷- تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی و دیگران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۲ ، ج ۱۹ ، ص ۱۶۶

۱۰۸- حلیقه المتقین ، مرحوم ملا محمد باقر مجلسی (ره) ، مطبوعات حسینی ، چاپ هفتم ۱۳۷۵ ، ص ۲۹۳

۱۰۹- همان ، ص ۳۴۹ ، (در احوال قبر)

۱۱۰- قرآن کریم ، سوره فرقان ، آیه ۷۴

۱۱۱- تفسیر نمونه ، ج ۱۹ ، ص ۱۶۹

۱۱۲- سنن النبی (ص) ، علامه سید محمد طباطبائی ، ترجمه حسین استاد ولی ، انتشارات پیام آزادی ، چاپ هشتم ، ۱۳۸۵ ، ص ۸۳

۱۱۳- همان ، ص ۸۵ و ۸۴

۱۱۴- همان ، ص ۸۶

۱۱۵- همان ، ص ۸۷

۱۱۶- همان ، ص ۸۵

بفیر

عبودیت و خودسازی پیامبر اکرم (ص)

۳۹



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی